

بایگانی

### تفنگ مدرن فرزاد شاه و ۱۵۰ بادیگارد

فرزاد شاه ششلول بند خطرناکی بود که ۱۵۰ بادیگارد و نوچه داشت و درحالی که قتل مامور پلیس موتور سوار نیز به گردن او بود هیچ گاه اعترافی به آن نکرد.

این آدمکش مخوف با تجهیز به تفنگ مدرن با خونسردی دست به جنایات مسلحانه‌ای زد و یکی از مخوف ترین پرورنده ها را در تاریخ پلیس آگاهی تهران رقم زد.

این قاتل خونسرد که تحقیقات قضایی و پلیسی نشان داد در جنایات زیادی دست داشته پس از دستگیری سکوت کرد تا این که در آخرین مرحله پذیرفت در صحنه‌ی یکی از قتل‌ها حضور داشته اما تیرانداز اصلی شخص دیگری بوده است.

نیمه شب سه شنبه ۲۳ فرور دین سال ۸۴ بود که یک مامور پلیس موتور سوار در منطقه استحقاقی کلانتری ۱۴۵ ونگ تهران از ناحیه پیشانی هدف یک گلوله قرار گرفت واز پاآمد. ۲۱ روز بعد، ساعت ۲۰ دقیقه سه‌شنبه ۱۲ اردیبهشت سال ۸۴ جنایت دیگری رخ دادو در جریان درگیری قاچاقچیان موادمخدر درحوالی پلی روبه‌روی ساختمان کشتیرانی، مردی به نام بهزاد هدف گلوله یک قاتل خونسرد قرار گرفت واز پاآمد.

وقتی برادر این قربانی که تنها شاهد جنایت بود در بازجویی‌ها به کارآگاهان جنایی گفت در بین گروه شهرو پسر جوان سلاح مدرنی داشت و با آن بهزاد را هدف قرار داده است، تیم تحقیق خود را در برابر قاتل خونسرد دید که برای راهایی از هر گونه درگیری دست به سلاح می برد و تیر خلاص را شلیک می کرد.

کارآگاهان در بررسی این دو جنایت مسلحانه به ردپاهایی مشابه از یک پسر جوان دست یافتند و در بررسی گلوله‌هایی بردند که هر دو قربانی به احتمال زیاد با گلوله هایی از یک سلاح مدرن از پادرآمده‌اند.

این شاخه تجسس نشان داد قاتل خونسرد همیشه پیراهنی آستین دار و گشاد می پوشید و یک سلاح مدرن با قدرت تیراندازی بالا همراه داشت که در آستین راستش پنهان می کردو در زمان جنایت با استفاده از حالت کشویی آن در حالی که همیشه آماده شلیک بود می توانست با سرعت بالایی ماشه را بچکاند و قربانیانش را غافلگیر کند.

پلیس با وجود در اختیار داشتن چهره فرضی قاتل خونسرد، جست‌وجوی گسترده‌ای را برای شناسایی هویت‌وی آغاز کرد تا این که پدريکی از قربانیان ماجرای قتل زان در خانه مترو که مردی افغان به نام نظیر از یک که مجرم شناخته شده بود، نزد هنر مند، باز پرس سابق دادسرای امور جنایی تهران سر نخ‌ی از جوان معروف به فرزاد شاه، ارائه کرد.

این مرد گفت که یکی از بستگانش از نوچه‌های یک جوان کرمانشاهی است که به راحتی دست به قتل می‌زند و ۱۵۰ بادیگارد جوان دارد و همه نوچه هایش تحت امر او فعالیت شبکه‌ای مواد مخدر دارند. با این ردپا، پلیس توانست هویت واقعی قاتل خونسرد را که فرزاد، نام دارد و از باج گیران معروف بود، به دست آورد و پای بردن به این که فرزاد شاه، شهر ستان هر سین را ترک کرده است و به دلیل تحت تعقیب بودن در کرمانشاه به تهران گریخته دست به اقدامات اطلاعاتی زد. وقتی مشخص شد «فرزاد شاه» یک باج گیر حرفه‌ای است و بدون رحم به قربانیان خود می‌تازد، پرورنده برای اقدامات ویژه در اختیار حفاظت اطلاعات ناجا گرفت و بررسی های ویژه نشان داد جوان ششلول بند در کرمانشاه سه قتل انجام داده است و در آن جنایات نیز با تفنگ مدرن خود به سمت قربانیانش آتش گشوده است. فرزاد شاه که به اتهام قاچاق مواد مخدر در خیابان خوبی تهران دستگیر شده بود وقتی پی برد پلیس جنایی او را قاتل خونسرد می شناسد و از این که وی با وجود داشتن نوچه های زیاد و بادیگارد به تنهایی دستگیر شده، حیرت کرده است، ادعا کرد هیچ گاه مسلح نبوده است. یک زندانی پس از آزادی نزد پلیس ادعا کرد فرزاد شاه هم سلول اش در زندان بود و بدین ترتیب، قاتل خونسرد پشت میله‌های زندان شناسایی شد و ادعا کرد دهمه اشتباه می‌کنند و او فرزاد شاه نیست. این مرد خطرناک از سوی ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران بازجویی شد و در همه مراحل تنها قاچاقی مواد مخدر را پذیرفت و ادعا کرد به دلیل فرار از صحنه تصادف، رانندگی که در آن باعث مرگ و مجروح شدن عده ای شده، تحت تعقیب بوده است و اطلاعی از جنایات و قاتل مسلح با تفنگ مدرن کشویی ندارد. این زندانی در بین ۱۰ مجرم دیگر قرار گرفت و برادر بهزاد، که تنها شاهد یک جنایت مسلحانه بود در مواجهه حضوری انگشت اشاره اش را به سمت فرزاد شاه گرفت و گفت قاتل خونسردی که برادرش را با سلاح کشویی به قتل رسانده است کسی جز همان جوان نیست. فرزاد شاه ادعا کرد در صحنه تیراندازی حاضر بود اما او اسلحه‌ای در اختیار نداشت و تیرانداز شخص دیگری بوده است.

دختر جوانی که دوست داشت به راحتی پولدار شود و در آرامش زندگی کند پس از اعتماد سازی طعمه هایش دست به کلاهبرداری یک میلیارد تومانی زد. چندی قبل زن جوانی با چهره‌ای آشفته پای به کلانتری ۱۴۰ باغ فیض گذاشت و از پیدا کردن سر نخ‌ی از زن فریبکار که به بهانه دادن وام میلیونی زندگی اش را خراب کرده است، خبر داد. زن جوان به ماموران گفت: سه سال قبل به دنبال خرید خانه بودم و به چند بانک برای گرفتن وام مراجعه کردم اما ضامن نداشتم و سپرده گذاری هم نکرده بودم تا این که از یکی از همسایه ها شنیدم که دختر جوان تحصیل کرده‌ای با توجه به ارتباطاتی که دار توانسته برای او بدون ضامن یک وام میلیونی تهیه کند. وی افزود: وقتی شنیدم که همسایه مان می تواند از طریق دختر جوان برایم وام بگیرد خوشحال شدم و قصد داشتم با گرفتن این وام میلیونی یک خانه کوچک بخرم تا از اجاره دادن و جابه جایی هر سال راحت شوم. زن جوان ادامه داد: بعد از چند روز زن همسایه شماره دختر جوان را که فریبا نام دارد در اختیارم قرار داد، وقتی با دختر جوان تماس گرفتم او را به خانه ام دعوت کردم و فریبا که دختر چرب‌زبانی بود به خانه ام آمد و با توجه به این که زن همسایه از طریق این دختر توانسته بود وام بگیرد به حرف هایش اعتماد کردم.

این زن گفت: قرار شد هر چقدر که می توانم پول تهیه کنم و پس از سه ماه سه برابر پولم را بدون نیاز به ضامن وام بگیرم به همین دلیل با هر سختی بود ۱۹۰ میلیون تومان در اختیار فریبا قرار دادم و در مدت زمان سه ماه با او ارتباط بودم اما وقتی زمان پرداخت وام رسید فریبا ناپدید شد و دیگر هیچ اطلاعی از او نداشتیم، همه زندگی ام را از دست داده بودم

تحلیل کارشناس

#### راه‌های نامتعارف رسیدن به ثروت

دکتر مصطفی اقلیما آسیب شناس اجتماعی یکی از بزرگ ترین تفکراتی که عامل جرم زایی در جامعه به شمار می رود این است که روش های ساده و البته آسیب زایی را برای رسیدن به اهداف اقتصادی انتخاب می کنند و همین مسئله سبب می شود مجرم شناخته شوند و به تدریج به انواع جرم های خرد و کلان روی بیاورند. برخی افراد به جای تعریف درستی از تلاش و کوشش برای رسیدن به مقاصد اقتصادی بالا و کارآفرینی روش های ناپسند و نادرستی را انتخاب می کنند و از طریق ارتکاب جرم مقاصد اقتصادی خود را ارتقا می بخشند.

و تازه فهمیدم در دام فریبکاری دختر جوان گرفتار شده ام. وی ادامه داد: سال هاست که به دنبال سر نخ‌ی از دختر جوان می گردم تا این که متوجه شدم او زنان دیگری را به همین شیوه هدف کلاهبرداری قرار داده و مدتی است در غرب تهران خانه ای اجاره کرده است.

##### تحقیقات پلیسی

بدین ترتیب تیمی از ماموران تجسس کلانتری ۴۰ دستگیری دختر جوان وارد عمل شدند و در گام این شاخه از تحقیقات موفق به شناسایی دیگر طعمه های فریبا شدند. تیم پلیسی در این مرحله با زنی روبه روشد که تحت پوشش کمیته امداد بود و برای خرید خانه ۴۰ میلیون تومان در اختیار فریبا قرار داده است تا سه ماه بعد سه برابر این مبلغ را به صورت وام در اختیار این زن قرار دهد اما دختر جوان پس از گرفتن پول ناپدید شده است.

ردیابی های پلیسی ادامه داشت تا این که ماموران با اقدامات فنی و پلیسی موفق به شناسایی مخفیگاه فریبا در خیابان پیامبر شدند و روز ۱۴ بهمن ماه در عملیاتی غافلگیرانه دختر جوان در خانه اجاره ای دستگیر شد.

ماموران در تجسس های پلیسی اطلاع یافتند

که دختر جوان در این سال ها طعمه های

زیادی را هدف کلاهبرداری قرار داده و نزدیک

به یک میلیارد تومان کلاهبرداری کرده است.

##### دختر رویا پرداز

فریبا ۲۶ ساله که سابقه ای در پرورنده اش ندارد ادعا می کند برای زندگی راحت و بدون دغدغه دست به این کار زده است و فکر نمی کرد دستگیر شود.

##### سابقه داری؟

نه

##### تحصیلات؟

افرادی که اغلب بیکار هستند یا به حقوق کافی راضی نیستند و توقعات شان از مادیات و درآمد فضایی و بالا است معمولاً تن به انجام هر کاری نمی دهند و ترجیح شان برای رسیدن به امال و آرزوهای شان ارتکاب جرم است و از روش های نادرست و غیر اخلاقی می خواهند به ثروت هنگفت برسند.

این افراد همیشه در جست وجوی روش هایی هستند تا یک شبه پولدار شوند و همین طمع به مال اندوزی سبب می شود شیوه هایی را انتخاب کنند که مجرم معرفی می شوند و وقتی با انگ و برچسب مجرمیت وارد جامعه می شوند باز هم راهی برای کار و معیشت درست انتخاب نمی کنند و این بار با شیوه های نوین تر برای پولدار شدن تلاش می کنند.

در جامعه امروزی که مشکلات اقتصادی بی شمار

## دزد عاشق پیشه



##### در دادگاه

در جلسه رسیدگی به این پرونده که دیروز برگزار شد، وکیل شاهین روبه روی قضات ایستاد و در تشریح رفاقت موکلش و همدستی وی گفت: موکلم از سال ها قبل با رضا که حالا حکم قطع دستش تایید شده دوست بود. رضا به خواهر شاهین که فلج است علاقه مند شده بودو آن ها برای تأمین هزینه های درمان دختر بیمار دست به سرقت های شبانه زده بودند. حتی خواهر شاهین چندبار تحت عمل جراحی قرار گرفت و به پهبودی نسبی رسید. وی ادامه داد: موکلم که حالا فراری است به کشور آلمان گریخته است و خانواده اش نیز از او خبری ندارند. موکلم قبلا تحت فشار روانی در پلیس آگاهی، به شرکت در هشت سرقت اعتراف کرده بود و بی گناه است.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا برای متهم فراری حکم صادر کنند.

لیسانس حسابداری دارم.

##### چرا کلاهبرداری کردی؟

همیشه دوست داشتم پولدار باشم و زندگی آرام و بدون دغدغه ای داشته باشم به همین دلیل تصمیم به کلاهبرداری گرفتم.

##### سرکارز رفتی؟

مدتی در یک شرکت مشغول به کار شدم اما حقوق کم بودو در کار مشکلات زیادی وجود داشت و نمی توانستم برای کسی کار کنم و می خواستم برای خودم باشم.

##### چطور این فکر به ذهنت رسید؟

یک بار زن جوانی که می دانست تحصیل کرده و حسابدار هستم و فکری می کرد به واسطه کارم در بانک آشنا دارم از من خواست تا برایش وام تهیه کنم که همین جرقه کافی بود تا نقشه کلاهبرداری به ذهنم برسد.

##### طعمه هایت چطور به تو اعتماد



می‌کردند؟

اولین بار توانستم وامی برای یک زن تهیه کنم و همین باعث شد تا او به من اعتماد کند و به او پیشنهاد دادم در صورتی که کسی نیاز به وام داشت به من بگوید که زن جوان نیز با توجه به وامش به من اعتماد کرد.

##### تنها یک وام برای اعتمادت هماهنگ کردی؟

چند وام تهیه کردم و قسمت اول نقشه ام که جلب اعتماد بوده به نتیجه رسید و بعد از آن بود که چند طعمه برای گرفتن وام با من تماس گرفتند.

##### شیوه وشگرد؟

پس از اعتماد سازی از طعمه هایم می خواستم تا مدارک شان را در اختیارم قرار دهند و پس از چند روز که مدارکشان را به آن ها پس می دادم می گفتم که برای

## بررسی حوادث

# دسیسه کلاهبرداری یک دختر رویا پرداز

گرفتن وام باید هر چقدر که می توانند پول جمع کنند و در اختیارم قرار دهند و پس از سه ماه با توجه به سپرده گذاری که من با پول هایشان انجام می دادم سه برابر مبلغ پرداختی شان وام می گیرم که در این سه ماه طعمه های دیگری به واسطه آن ها به من معرفی می شدند و وقت کافی برای اجرای نقشه ام داشتم و بعد از سه ماه با پول هایی که در اختیارم بود ناپدید می شدم.

##### فکر نمی کردی دستگیر شوی؟

کسی از من آدرس یا اطلاعاتی نداشت و من هم رسیدی به آن ها نداده بودم به همین دلیل فکر نمی کردم دستگیر شوم.

##### از چند نفر کلاهبرداری کردی؟

فکر کنم ۱۵ نفر را هدف کلاهبرداری هایم قرار دادم.

##### چقدر پول به دست آوردی؟

نزدیک به یک میلیارد تومان.

##### با پول ها چه کردی؟

خوش گذرانی می کردم و پول پیش خانه و اجاره خانه ام را می پرداختم.

##### قصد نداشتی سرکار بروی؟

نه، به راحتی پول در می آوردم و نیازی به کار کردن نبود.

##### قصد داشتی تا کی کلاهبرداری کنی؟

نمی دانم به هیچی فکر نمی کردم.

##### حرف آخر؟

پشیمانم، رویا پرداز ی و پولدار بودن کار دستم داد چون نمی خواستم منتظر بمانم و با کار کردن به چیزهایی که می خواهم برسم، می خواستم یک شبه به همه چیز برسم و حالا پشیمانم.

بنابر این گزارش، دختر جوان برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران پلیس تهران قرار گرفت.

عجولانه تصمیم های آنی می گیرند که یک شبه به درآمد زیاد و ثروت و مال اندوزی بالا برسند. این افراد قانع نیستند و به هر در آمد اندکی رضایت نمی دهند در حقیقت به دنبال کسب حلال نیستند و سعی در سوء استفاده و اخاذی از دیگران دارند این ها همیشه با پول مردم به مقام و جایگاه رسیده اند و شخصیت اقتصادی برای خود خریده اند این افراد عامل شیوع بیکاری در جامعه به شمار می روند و چون قانع نیستند مسائل و ارزش های معنوی را زیر سوال می برند و سبب رواج جرم در جامعه می شوند. این ها اقتصاد کشور را تخریب می کنند و عامل شیوع جرم های خشن در اجتماع هستند طمع ورزی و مال اندوزی نه تنها در کسب درآمد بلکه در زندگی شخصی و خانوادگی شان آسیب های بی شماری را به وجود می آورد.

## مجازات ۴۰۰ ضربه شلاق برای شیطان اربه سفید



باتایید حکم ۴۰۰ ضربه شلاق مرد پرشیا سوار که چهار زن را به تله شیطانی اش انداخته بود در دیوان عالی کشور، وی دیروز به اتهام آدم ربایی محاکمه شد.

یک سال قبل زن جوانی به نام سپیده به پلیس آگاهی تهران رفت و از راننده یک پژو پرشیا ی سفید، شکایت کرد.

وی گفت: دیروز به عنوان مسافر در حوالی ترموی ترمینال جنوب، سوار یک پژو پرشیا شدم تا به سمت بهشت زهرا بروم. راننده تابلوی آژانس روی سقف ماشین نصب کرده بود که به او اعتماد کردم و با خیال راحت سوار ماشینش شدم، اما راننده جوان مرا به سمت بیابان های حاشیه بهشت زهرا برد و بدون توجه به التماس هایم مرا آزار داد.

با این شکایت تلاش برای ردیابی مرد شیطان صفت آغاز شده بود که شکایت مشابهی به پلیس رسید. این بار نیز راننده جوان یک پژو پرشیا زن جوانی را به تله شیطانی اش انداخته و در نزدیکی بهشت زهرا وی را آزار داده بود. در حالی که فرضیه سریالی بودن جنایت های سیاه مرد پژو سوار قوت گرفته بود سومین قربانی نیز شناسایی شد. این زن نیز نتوانست نشانی های کافی از مرد شیطان صفت به پلیس ارائه دهد تا این که زن جوانی با پلیس تماس گرفت و گفت بعد از این که توانسته از تله شیطانی راننده یک پژو پرشیا ی سفید بگریزد توانسته شمار پلاک خودرو را حفظ کند.

این زن به ماموران گفت: عصر پنج شنبه می خواستم بر سر مزار مادرم بروم که سوار پرشیا ی سفیدی شدم که روی سقف آن تابلوی آژانس نصب شده بود، اما راننده مرا به حاشیه بهشت زهرا برد. او می خواست مرا آزار دهد که مقاومت کردم. التماس های من روی مرد شیطان صفت اثر گذاشت و او که پشیمان شده بود اجازه داد تا فرار کنم. من هم توانستم شمار ه پلاک خودروی او را به خاطر بسپارم.

با اطلاعاتی که زن جوان به پلیس ارائه کرده بود راننده ۳۰ ساله

## قصاص برای پسر دانشجو در یک جنایت

بود، دیدم. او عصبانی بود و مدام فحش می داد.

چند نفر به او اعتراض کردند اما حسن بعد از این که گوشی همراهش را قطع کرد با مادر گیر شد. او فحش ناموسی داد که من او را هل دادم تا ساکت شود، اما او به سمت حمله کرد و دعوای میان ما با وساطت یکی از کسبه پایان یافت. وی ادامه داد: من مشغول کار بودم که یک ساعت بعد حسن به همراه هفت نفر از دوستانش در حالی که چاقو و قمه داشتند به سمت حمله ور شدند. همان موقع یکی از دوستانم که کنار خیابان زعفران می فروخت به من گفت آن ها او باش هستند و می خواهند تو را بزنند. من می خواستم فرار کنم

و برای پسر دانشجو حکم قصاص خواستند. پدر داغدار با اشاره به متهم گفت: این پسر بابی رحمی فرزندم را کشته است به همین دلیل حاضر به رضایت نیستم و برایش قصاص می خواهم. وقتی افشین در جایگاه ویژه ایستاد گفت: قتل را قبول دارم اما من حسن را نکشتم. وی در تشریح جزئیات ماجرا گفت: دانشجو بودم و برای این که بتوانم هزینه های تحصیل را تأمین کنم، دست فروشی می کردم. من در منطقه خیرآباد روسری می فروختم و اصلا حسن را قبولان ندیده بودم و هیچ خصومتی با او نداشتم. در حال دست فروشی بودم که حسن را که در حال صحبت با گوشی همراه